

بررسی هم‌آوایی شبهات دائرةالمعارف قرآن لایدن و تفاسیر اهل سنت*

احترام رستمی**

چکیده

یکی از جنبه‌های رفتار حکومتی پیامبر چگونگی تعامل آن حضرت با اسیران است. با بررسی آثار تفسیری دانش‌مندان اهل سنت و نیز خاورشناسان در موضوع شخصیت پیامبر دیدگاه‌هایی قابل استخراج است که مقایسه هم‌سوئی آن می‌تواند ارزیابی و تکمیل اندیشه‌های تفسیری را تسهیل و تسریع نماید. بدین ترتیب دیدگاه نقد‌پذیر از ریشه بازشناسی و برطرف می‌گردد. بین دو مجموعه تفاسیر علمای اهل سنت و به طور خاص مقالات دائرةالمعارف قرآن لایدن هماهنگی معناداری قابل مشاهده است. پرسش اصلی عبارت است از این‌که هم‌آوایی دیدگاه‌های نقد‌پذیر مستشرقان و منابع تفسیری اهل سنت در مورد پیامبر در زمینه رفتار با اسیران در چه جنبه‌هایی است؟ در پاسخ به آن روش توصیف، تحلیل و نقد تاریخی، نیز روش‌های تفسیری و حدیثی به کار رفته است. یافته‌های پژوهش عبارت است از این‌که نقل‌های تفسیری متناسب با مبانی کلامی و فقهی برخی فرق اهل سنت و روایات ضعیف زمینه‌ساز اظهار نظرهای ناصواب مستشرقان در مورد پیامبر می‌شود. غفلت از منابع و آموزه‌های اهل بیت نیز، لغزش‌هایی در ترسیم شخصیت پیامبر در مداخله دائرةالمعارف به وجود آورده است.

واژگان کلیدی: اسیران، هم‌آوایی مستشرقان با اهل سنت، دیدگاه‌های نقد‌پذیر، تفاسیر اهل سنت، دائرةالمعارف قرآن، پیامبر اکرم.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸.

** دکتري مدرسي معارف اسلامي دانشگاه معارف اسلامي قم: ehtrostami@gmail.com

یکی از مسائلی که درباره رفتارهای حکومتی و نظامی پیامبر مطرح شده چگونگی رفتار آن حضرت با اسیران است. در پی برخوردهای قهر آمیز و رویارویی‌های نظامی و جنگ‌ها، عده‌ای کشته و عده‌ای اسیر می‌شوند. در طی حضور پیامبر در مدینه چنین حوادثی برای مسلمین نیز رخ می‌داد. جنگ بدر یکی از اولین غزوات نبی خدا بود که طی آن دستور چگونگی رفتار با اسرا نازل شد. مفسران به ویژه اهل سنت در این آیات تفاسیر خاصی ارائه داده‌اند. در چگونگی رفتار با اسرا آزادی آنان با فدیة و یا بدون آن، نیز کشتن و بردگی مطرح شده است که دو مورد اخیر محل شبهه است. در این پژوهش مداخلی از دائرة المعارف و آیات مربوطه از قرآن کریم همراه با نظرات تفسیری اهل سنت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد تا بدین پرسش پاسخ داده شود که بین گزارش‌های تفسیری اهل سنت از آیات مربوط به رفتار پیامبر با اسیران و مداخل‌هایی مربوطه از دائرة المعارف قرآن در این موضوع چه تشابهی از لحاظ شبهه پژوهی مشهود است و میزان هم‌آوایی شبهات تا چه اندازه است. در مورد پیشینه این پژوهش باید خاطر نشان نمود که در نقد مداخل‌های دائرة المعارف مقالات گوناگونی نگارش یافته است هم‌چنین در زمینه نقد دائرة المعارف قرآن نیز مقالاتی نگارش یافته است مانند: اسکندرلو، محمدجواد، «معرفی و نقد دائرة المعارف قرآن لیدن»، قیسات، ش ۲۹، ۱۳۸۲؛ رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی دائرة المعارف قرآن لیدن»، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ معارف، مجید؛ اعتصامی، سمیه سادات، «بررسی مقاله محمد ﷺ»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۹، ۱۳۸۹؛ ۴. معارف، مجید، «دایرة المعارف قرآن لیدن، امتیازات و چالش‌ها»، کتاب ماه دین، سال شانزدهم، ش ۱۹۲، ۱۳۹۲. و در زمینه بررسی هم‌آوایی پایان نامه با عنوان مصادیق هم‌آوایی شبهات مستشرقان با منابع اهل سنت در باره پیامبر و نقد آن با تأکید بر دایرة المعارف قرآن لایدن از نگارنده. بدین ترتیب این نوشتار با رویکرد شبهه پژوهی دو اثر علمی شرق و غرب، یعنی تفاسیر اهل سنت و آراء مستشرقان را که در دائرة المعارف قرآن منعکس شده است به صورت تطبیقی حول موضوع تعامل پیامبر با اسیران بررسی خواهد کرد.

هم‌آوایی و اقسام آن

هم‌آوایی در پدیده‌هایی مطرح می‌گردد که نحوه‌ای از ارتباط در آن‌ها مشاهده شود، در دو متن علمی می‌توان هم‌آوایی‌هایی را در اقسام زیر مشاهده نمود:

۱. در شکل و لفظ

اولین و بارزترین هم آوایی مشابهت در شکل و لفظ است به عنوان نمونه اگر منبعی به پیامبر قولی را نسبت داده است منابع دیگر آن قول را بدون نقل به معنا و با همان الفاظ روایت می‌کنند بدین ترتیب هم آوایی خاص یعنی هم شکلی پدید می‌آید. الفاظ مترادف و ترجمه شده را نیز می‌توان در این دسته جای داد. بدین ترتیب دو جمله با یک معنا شکل می‌یابد که نتیجه یکسانی خواهد داشت. می‌توان این نوع هم آوایی را تاحدی به بازگردانی در ادبیات شبیه دانست. کذب و صدق گزاره اول به دوم قابل سرایت است.

۲. در محتوا

گاهی از همان الفاظ و حتی مترادف و ترجمه آن استفاده نمی‌شود بلکه با بازنویسی و برهم زدن تقدم و تاخر مطالب، هدف و جریان اصلی مطلب حفظ می‌شود، اما لزوماً الفاظ و جملات پا برجا نمانده‌اند. با این حال صحت و سقم مطلب اول به دوم قابل سرایت است. مانند بازنویسی که در آن به مطلب اصلی پر و بال داده می‌شود و با تفصیل بیش‌تری بیان می‌گردد. گاهی در بازنویسی ممکن است جای اهداف نیز عوض شود اما بدون حذف مطلب، هدف دیگری پررنگ‌تر شود و واژگان در خدمت برجسته‌تر نمودن اهداف فرعی به کار می‌رود.

در زمینه شبهات مستشرقان و متون اسلامی (اهل سنت) می‌توان به مواردی هم چون هم آوایی در داستان‌های جعلی تاریخی و حدیثی، در بشری دانستن رفتار و گفتار پیامبر، در برخورد زمینی با مقوله‌های اعجاز، وحی و... اشاره نمود.

۳. در هدف

گاهی دو نوشتار به گونه‌ای شباهت دارند که می‌توان یکی را باز آفرینی دیگری دانست. به عبارت دیگر دو نوشته الفاظ متفاوتی دارند هم‌چنان که محتوا و جریان اصلی آن نیز تغییر یافته است اما هدف نوشتار هم‌چنان باقی است. بدین ترتیب گویا اثری جدید آفرینش شده است اما ایده اولیه، مربوط به اثر دیگری است (بصیریان، کلک خیال انگیز، ۱۳۸۴: ۲/۲۰-۶۰). مانند هدف بشری دانستن رفتار و گفتار پیامبر در برخورد مقولات الهی مثل وحی و اعجاز.

۴. در استناد به منابع و اشخاص

گاهی هم آوایی در نوشتار بروز نمی‌یابد بلکه مربوط به اموری خارج از نوشته است مانند استفاده از منابع و استناد به اشخاص یکسان. بدین طریق که دو نویسنده‌ای که از منابع یکسانی

بهره برده اند می توانند در برخی نتایج به نقاط مشترکی نائل شوند. هم چنین طریقه مشترک در مراجعه به منابع را نیز می توان نوعی هم آوایی برشمرد. مثلاً نویسنده ای ابتدا به روایات اشراط الساعه و سپس به قرآن کریم رجوع می کند، اگر نویسنده دیگر نیز روش مراجعه به منابع او چنین باشد، اما از همان روایات و آیات نویسنده اول استفاده نکرده باشد، باز هم می توان او را با نویسنده اولی، هم آوا تلقی نمود. نمونه دیگر این که نویسنده ای تنها منابع اهل سنت را مد نظر قرار می دهد. نویسنده دوم نیز چنین می کند هر چند از همان منابع نویسنده اولی استفاده نکرده باشد. در مورد اشخاص نیز این چنین است، مانند دو نویسنده که به ابوهریره استناد می جویند هر چند روایات متفاوتی را از او نقل کنند.

۵. در دلایل

دو نوشتار را می توان در ادله هم آوا دانست مانند اینکه در هر دو نقش دلایل علمی (تجربی) پررنگ تر از دلایل وحیانی و نقلی است. حال اگر دو نوشتار از نوع شبهه باشند ممکن است مستند به ادله ای یکسان باشند هر چند شدت و ضعف شبهه متفاوت باشد.

۶. در نتایج و لوازم

گاهی دو نوشتار به دو جریان متفاوت اشاره می کنند که به نتیجه یکسانی منتج می گردد، هر چند هر دو یا یکی توجهی به نتایج و لوازم کلام خویش نباشد. از این رو تفاوت آن با هدف آن است که هدف از ابتدا مورد توجه و سوگیری است اما نتایج و لوازم چنین نیست و چه بسا نویسنده از لوازم کلام خود به کلی غافل باشد. مانند اینکه چند گزاره صادق به گونه ای در محور هم نشینی قرار گیرند که نتیجه ای ناروای آن حاصل گردد.

تعامل پیامبر با اسیران

در جنبه های اجتماعی و امور حکومتی گاه جنگ امری ناگزیر تلقی می گردد. در این بین با اینکه اسیر گرفتن در جنگ یک ضرورت بوده است اما پیامبر در سایه تعلیم و تربیت و هدایت امت با اسرا به مهربانی رفتار می نموده است، تا جایی که به بهانه های گوناگون (مانند با سواد کردن مسلمانان) آنان را آزاد می کرده است و به نیکی رفتار با اسرا سفارش نموده است «استوصوا بالاساری خیرا: (ذهبی، تاریخ اسلام، بی تا: ۱۱۹/۲؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۳۸۷: ۲/۴۶۰؛ صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ۱۴۱۴: ۴/۶۶؛ ابن هشام، السیره النبویه، بی تا: ۱/۶۴۵؛ زحیلی، التفسیر المنیر، ۱۴۱۸: ؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۳/

۱۴۶۳). خداوند در قرآن کریم مستقیماً با آنان گفت‌وگو می‌کند و حتی به آنان نوید بخشش می‌دهد.^[۱] در برخی مداخل دائرة المعارف^[۲] بیان شده که در هیچ جای قرآن به جواز (یا عدم جواز) کشتن اسیران اشاره‌ای نشده است. چرا که اسلام خود را منادی آزادی و هدایت انسان‌ها می‌داند اما برخی دستورها کشتن اسیر که کاری غیر انسانی است روا دانسته شده و نیز بردگی او جایز شمرده شده است که در ادامه بررسی خواهد شد:

۱. بررسی مداخل‌های مرتبط در دائرة المعارف قرآن

در زمینه رفتار پیامبر با اسیران و بردگان چند مدخل در دائرة المعارف قرآن وجود دارد که عبارت است از: اسیران، برده و برده داری و مدخل زندانی نوشته جانانان بروکوپ (Jonathan E. Brockopp).

- اسیران^[۳]

الف) گزارشی از مدخل

در این مقاله پس از معرفی عنوان مدخل به ذکر آیات مربوطه و به ویژه سیاق مکی و مدنی آنان پرداخته می‌شود. علاوه بر موضوعات تاریخ اسلام به موضوعات قرآنی در این باره نیز پرداخته شده است مانند حضرت یوسف علیه السلام و ماجرای اسارت و فروش وی. در نهایت به حکم حرمت برده گیری مسلمان اشاره شده که افراد را برای گرفتن برده به مناطق غیر مسلمان سوق می‌داده است. در مدخل اسیران نکات مثبتی وجود دارد، مانند اشاره آیتی به آزادی اسیران (بقره/ ۱۷۷؛ توبه/ ۶۰). قابل توجه آن که نویسنده منابع اصلی خود را سیره ابن اسحاق و کشاف زمخشری معرفی نموده است.

ب) شبهات

موارد قابل تحلیل عبارتند از:

۱. کشتن اسیر: در متن چنین آمده است: «بر اساس شریعت اسلامی اسیر ممکن است کشته، برده یا در مقابل فدیة آزاد شود» شبهاتی که ممکن است این گزاره به ذهن متبادر کند یکی جواز کشتن اسیر در اسلام و دیگری بردگی است. بر این مبنا که انسان آزاد است و حق حیات دارد، شبهاتی با تقریرهای گوناگون قابل طرح است؛ مانند این که ادعای اسلام این است که احکام آن بر مبنای اصول عقلانی و انسانی است، اما برخی احکام مانند کشتن و بردگی اسیر مخالف این اصول است که این امر گویای تناقض در ادعا و عمل است.
۲. انگیزه غنیمت خواهی پیامبر: در قسمتی دیگر آمده است: «محمد صلی الله علیه و آله که پس از مهاجرت به مدینه در نبردهای خویش ضد مکیان برای رسیدن به غنیمت‌های قابل توجه از چنین حمله‌هایی استفاده می‌کرد با این قواعد آشنا بود». نکته شبهه‌انگیز این گزاره قسمت رسیدن به غنائم است این

امر به خودی خود شبهه ناک نیست، اما به عنوان انگیزه حمله‌ها اعلام شده است. می‌توان این شبهه را مطرح نمود که پیامبر ادعا داشت که برای اهداف الهی جهاد می‌کند (بر اساس تعلیم قرآن: جهاد فی سبیل الله). بدین معنا که دین توحید گسترش یابد و مستضعفین نجات یابند، ولی در اینجا برای رسیدن به غنائم مبارزه می‌کرد. پس تناقض در ادعا و عمل وجود دارد.

۳. ادامه سنت جاهلی غنیمت‌گیری: نویسنده اظهار می‌دارد پیامبر با این قواعد آشنا بود در نتیجه غنیمت‌گیری در ادامه سنت‌های جاهلی بوده است. تقریر شبهه آنکه مبارزه برای رسیدن به منابع، مطابق نبردهای جاهلی و امری ناپسند است. اما پیامبر این فعل را انجام داده و امری ناپسند مرتکب شده است (این شبهه برای مورد قبل نیز قابل طرح است). شبهه دیگر آنکه نفس غنیمت‌گیری در ادامه سنت‌های جاهلی است. این سنت از طرفی مرجوح است و از طرفی استقلال شریعت پیامبر را مورد تردید واقع می‌کند.

ج) بررسی

۱. کشتن اسیر: کشتن، فدیه یا آزادی، نظر اهل سنت است (جصاص، احکام التحقیق، ۱۴۰۵: ۲۶۹/۵؛ بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱۲۰/۵).

۲. انگیزه غنیمت‌خواهی پیامبر: هدف پیامبر توسعه اسلام و توحید بود و تبیین نموده بود که در سایه یکتاپرستی انسان‌ها به سعادت می‌رسند؛ بنابراین داشتن زندگی گوارا و حیات طیب از اهداف رسالت انبیاست. به هیچ روی به دست آوری غنیمت جزو انگیزه‌های نبرد، شمرده نشده است. که در آیات سوره احزاب و انتخاب ساده زیستی توسط همسران آن جناب مورد بحث واقع شده است. رفتار پیامبر در تقسیم غنائم بین مکیان و رفتار با همسران خویش در مورد زیاده‌خواهی‌های آنان، این انگیزه پیامبر را در حمله به مکه رد می‌کند.

۳. ادامه سنت جاهلی غنیمت‌گیری: این مطلب قابل نقد است. شبیه بودن شکل ظاهری دو عمل دلیل بر شباهت انگیزه‌ها و نتایج آن نیست. در مورد سنت‌های جاهلی اگر اساس عقلی و فطری داشت، تایید شده است؛ مانند مهمان‌نوازی. اما اگر ریشه در جهالت داشت، بر اساس مبانی عقلانی، احکام، شیوه و سنت‌های جدیدی ارائه شده است. هم‌چنین احکام اسلام نیز بر اساس عقل و فطرت و هر سنت یا دینی که بر این اساس باشد سرچشمه و منشائی مشترک دارند نه اینکه یکی از دیگری اقتباس شده باشد، هر چند تقدم تاریخی مطرح باشد. از این‌رو احکام اسلام مستقلاً برگرفته از عقل و فطرت است که پیامبر از طریق وحی بر آن آگاه شده است.

۲. بررسی منابع تفسیری

در این زمینه دو آیه از قرآن بررسی می‌گردد و شبهات تفسیری آن بیان و نقد می‌گردد. آیه ۶۷ انفال و ۴ محمد ﷺ که در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۲. تفاسیر آیه ۶۷ انفال^[۴]

الف) تفسیر

در عبارت یشخن فی الارض دو بیان تفسیری وجود دارد:

- بیانی شدید حاکی از آن که بعد از قتل و کشتار فراوان اسیر بگیرید. طبری در معنای حتی یشخن فی الارض آورده است: «حتی یشخن فی الارض» یعنی تا اینکه در کشتار مشرکین مبالغه کند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۳۰/۱۰ نیز ر. ک. قشیری، لطایف الإشارات، بی تا: ۱/۶۳۸) به طوری که با کشتن مشرکین به نعمت‌های اخروی می‌رسند: و خداوند زینت آخرت را برای شما می‌خواهد و نیز آن چه را می‌خواهد که برای مومنین به وسیله کشتن مشرکین برایشان مهیا نموده است (همان). از قول مجاهد نیز آورده که انخان به معنای قتل است (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۳۰/۱۰). اگر در کتاب خدا نبود که غنیمت را حلال کند یا بدریون را عذاب نکنند یا سعادت برایشان بخواهد، هر آینه شما را به خاطر فدیة (غنیمت) عذاب می‌کردم. همان عبارت کریمه فیما اخذتم علاوه بر فدیة نخجوانی، ۱/۲۹۴ به اسرا (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۹/۱۳۵) [۵] و یا هر دو نیز (آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۵/۲۳۰) تفسیر شده است.

- بیانی لطیف حاکی از آن که بعد از پابر جاشدن در آن سرزمین و غلبه بر دشمنان (فراء، معانی القرآن، بی تا: ۱/۴۱۸؛ سمرقندی، بحرالعلوم، بی تا: ۲/۳۱)، آنگاه می‌توانید اسیر بگیرید. در این بیان شدت و خشونت به کار نرفته است چه بسا با فراری دادن اکثریت دشمن بتوان به این امر نائل شد و بقیه را به اسارت در آورد.

این آیه (انفال/ ۶۷) مربوط به روز بدر است که عده مسلمین اندک می‌بود اما وقتی زیاد و نیرومند شدند آیه چهار سوره محمد را نازل فرمود «فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً» و پیامبر و مومنین را مخیر فرمود که یا اسیر را بکشند یا به بردگی بگیرند و یا با فدیة آزادشان کنند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۳۰/۱۰). اسیر کافر یا باید اسلام آورد یا کشته شود و بنا به قولی می‌توان به بردگی گرفته شود (بغدادی، لباب التأویل، ۱۴۱۵: ۴/۱۴۰) یا آیه عتابی است به اصحاب پیامبر؛ چرا که نبی اکرم ﷺ اصلاً قصد دنیا را ننمود و به ننگه داری اسیران امر نکرد. اینکه عتاب به سمت او رفته به دلیل کسانی است که به او اشاره نمودند فدیة بگیرد (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۳۱/۱۰؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۸/۴۶).

نقل دیگر آن که پیامبر و ابوبکر مایل به گرفتن فدیة بودند، اما عمر کشتن آن‌ها را پیشنهاد کرد که خداوند قول عمر را تصویب نمود: (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۸/ ۴۶؛ ابن جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۱۴۲۲: ۲/ ۲۲۴؛ سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ۱۳۸۰: ۲/ ۹۰۳-۹۰۴)^[۱۶] در روایت دیگر کشتن فجیع اسرا پیشنهاد شده است و اضافه شده که عبد الله بن رواحه پیشنهاد جمع هیزم و سوزاندن داد، عباس (که جزء اسرا بود) شنید و گفت در این صورت پیوند خویشاوندی بریده‌ای. پیامبر هم گفتار آنان را به آیاتی از قرآن که از قول انبیا نقل شده است شبیه فرمود (قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۸/ ۴۷).

ب) شبهات

با استفاده از بیانات تفسیری می‌توان این شبهات را مطرح نمود:

۱. دستور به جنگ و خونریزی شدید: از بین نظرات مربوط به عبارت «یشخن فی الارض»، بیان اول این شبهه را ایجاد می‌کند که قرآن نه تنها به جنگ بلکه به خونریزی شدید دستور داده است.
۲. کشتن یا بردگی اسیر: از اقوال طبری و قرطبی و داستان نقل شده از عمر، این شبهه بر می‌آید که: خداوند دستور به قتل اسرا داده است هر چند پیامبر یا عده‌ای از اصحاب بدان مایل نبودند.

ج) بررسی

- مورد اول: اما باید دانست نتیجه این دو قول آن است که در گرماگرم جنگ نیروی خود را صرف اسیر گرفتن و نگه داری او نکنید تا از اصل جنگ غافل بمانید.
- مورد دوم: چنان که مشاهده می‌شود اکثر مفسران اهل سنت عبارت فیما اخذتم را مربوط به فدیة می‌دانند در حالی که قبل از نزول آیه مسلمین هنوز فدیة نگرفته بودند و تنها اسیر اخذ نموده بودند.

۲-۲. محمد/ ۴

در تفسیر این آیه نیز شبهات فوق نیز مطرح است که در ادامه بررسی می‌گردد:

الف) تفسیر

ابتدا به معنای در بیان مفسران فقرات آیه می‌پردازیم:

یک. قتل اسیر: - «فَصَرْبَ الرِّقَابِ» ابن‌العربی در این مورد دو قول را نقل نموده و یکی را اظهر می‌شمرد: یکی قتال و دیگری قتل اسیر با توجه به اذالقیتیم، معنای قتال را اظهر دانسته اما قتل اسیر نیز از فعل نبی قابل برداشت است (ابن‌عربی، احکام القرآن، بی‌تا: ۴/ ۱۷۰۰).

کشتن اسیر ذیل قسمت دیگر آیه نیز بیان شده است. ﴿فَأَمَّا مَنْ بَعْدُ وَإِذَا فِدَاءً﴾ آیه پیامبر و یارانش را در مورد اسیران مخیر فرموده اگر خواستند آن‌ها را بکشند یا برده بگیرند یا فدیة گیرند.

سپس ابو عبید در برده گرفتن شک کرده است (جصاص، احکام القرآن، ۱۴۰۵: ۲۶۹/۵ قول ابو عبید). بیضاوی کلام مفسران پیش از خود را این چنین جمع بندی نموده: مراد از تخییر بعد از اسارت بین منت نهادن و آزاد کردن و یا فدیة گرفتن و آزاد کردن است، اگر فرد مذکر آزاد مکلف اسیر شد امام مخیر است او را بکشد یا منت نهد و فدیة بگیرد. اما بردگی گرفتن نزد حنفیه منسوخ است یا تنها ویژه جنگ بدر بوده است. از این رو حنفیون می گویند یا اسیر باید کشته شود یا فدیة گرفته شود (بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱۲۰/۵).

دو. خشونت شدید در جنگ: دو عبارت «ضرب رقاب» و «اثختموهم» در این آیه به گونه ای تفسیر شده که حد اعلا ی خشونت در جنگ را نشان می دهد.

- ضرب رقاب: بیضاوی «ضرب رقاب» را کنایه از قتل می داند اما این که با عبارت ضرب رقاب بیان شده به این دلیل است که به شنیع ترین صورت ممکن تصویر شده باشد (همان؛ ر.ک: بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ۱۴۱۵: ۱۴۰/۴). ضرب رقاب منظور قتل و از پای در آوردن دشمن است. هر چند برخی این آیه را به آیه سیف منسوخ دانسته اند (مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلمان، ۱۴۲۳: ۴/۴) و برخی چنین عقیده ای ندارند (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۷).

در مقابل تفسیرهای متعادل تری نیز از این فقره از آیه نقل شده است: چون کشتن انسان بیشتر با ضرب رقاب اتفاق می افتد از این عبارت استفاده شده است. لازم نیست که حتماً گردن زده شود (ابوحیان اندلسی، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۹/۴۶۰) تفسیر نمونه (معاصر شیعه) همین معنا را با این بیان عنوان نموده است: «گردن زدن کنایه از قتل است، بنا بر این ضرورتی ندارد که جنگ جو یان کوشش خود را برای انجام خصوص این امر به کار برند، هدف این است که دشمن از پای درآید» مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۲۱/۳۹۸). در آیه از شیوه های بیانی خاصی استفاده شده است مانند حذف عامل در عبارت فَضْرَبَ الرَّقَابِ یعنی فاضربوا الرقاب ضربا، تا بنا بر اغراء باشد و ادبی از جانب خداوند که مومنان را تعلیم قتال می دهد (فراء، معانی القرآن، بی تا: ۳/۵۷؛ نحاس، اعراب القرآن، ۱۴۲۱: ۴/۱۱۸).

۱۲۳ - أَثَخْتُمْوَهُمْ: مفسران عبارت کریمه «حتی اذا اثختتموهم» را به شدت قتل معنا کرده اند (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۷؛ تفسیر الجلالین، ۵۱۰؛ سور آبادی، تفسیر سور آبادی، ۱۳۸۰: ۴/۲۳۲۴؛ زمخشری، الکشاف، ۱۳۷۶: ۴/۳۱۶؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۱۳/۱۹۶). یعنی پس از کشتار و خونریزی شدید. حتی مفسران معاصری چون سید قطب و ایبازی نیز این چنین معنا نموده است (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۴۱۲: ۶/۳۲۸۲؛ ایبازی، الموسوعه القرآنیة، ۱۴۰۵: ۱۱/۱۹۴) در مقابل، مقاتل معنا را کمی رقیق تر بیان نموده و گفته

است: یعنی با شمشیر بر آن‌ها غلبه کردید و بر آنان پیروز شدید (مقاتل، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴/ ۴۴)^[۷] نووی نیز گفته است: تا اینکه دشمن را با جراحت ضعیف نمودید^[۸] (نووی، مراجع لیبید لکشف معنی القرآن المجید، ۱۴۱۷: ۲/ ۴۱۵).

ب) شبهات

همان‌گونه که در قسمت تفسیر بیان گردید، دو شبهه عمده در نظرات مفسران تحلیل شد:

۱. کشتن اسیر: کشتن سربازان اسیر خلاف اصول انسانی است. چرا که آنان ناچار از اجرای دستورات فرماندهان خود هستند.
۲. خشونت شدید در جنگ: خشونت شدید در جنگ نیز خلاف انسانیت است. این دو شبهه پیامبر و پیروانش را خشونت‌طلب و هراس‌انگیز تصویر می‌نماید.
۳. عصمت: شبهات دیگری نیز قابل‌تقریر است که به عصمت پیامبر ص و غیره مربوط می‌شود مانند اینکه پیامبر و مومنان مورد عتاب قرار گرفته‌اند، چرا که بدون دستور خدا کاری را انجام داده‌اند و یا خداوند بدون جرمی وعده عذاب عظیم داده است.

ج) بررسی

- گرچه برخی مفسرین مطالب شبهه‌آلودی را در کتب خود ذکر کرده‌اند اما برخی دیگر به معنای صحیح آیه دست یافته و شبهات را برطرف نموده‌اند. که به خلاصه اشاره خواهد شد:
۱. قتل اسیر: از بین اسرای بدر تنها دو نفر به علت جرم‌های دیگر و امکان آتش افروزی‌های مجدد، اعدام شدند بدین ترتیب حکم همه اسیران یکسان نبوده و قتل اسیر به طور مطلق جایز نیست. در این زمینه تفاسیر قدیم و جدید کمتر به رفع شبهه قتل اسیر پرداخته‌اند و موارد آن را تشریح نکرده‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۷/ ۲۴۵-۲۵۳).^[۹]
 ۲. خشونت شدید در جنگ: جنگ برای رهایی مستضعفین و برداشتن موانع از راه الهی است دشمن هر آن‌قدر هم خون‌آشام باشد کیفر او در روز جزا و با خداوند است و بیشتر از کشتن اسلام اجازه اعمال خشم به پیروانش نداده است. رفتار امام علی (علیه السلام) در برخورد با عمرو بن عبدود و خوارج گویای این حقیقت است.

۱۲۴

اثخان پیامبر و مومنان در زمین به معنای پابرجا شدن آیین آنان در بین مردم است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۵۶: ۹/ ۱۳۴). از این‌رو به معنای قتل و خونریزی و شدت کشتار دشمن نیست بلکه یکی از مصادیق آن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۲۱/ ۳۹۹). با مراجعه به کتاب‌های لغت مشاهده می‌شود که «اثختموهم» به معنای غلظت و سختی، سنگینی و مبالغه نیز آمده است (ابن منظور، لسان العرب، مدخل ثخن، ۱۴۱۴: ۷۷/ ۱۳؛ فراهیدی، العین، مدخل ثخن، ۱۴۱۰: ۴/ ۲۴۸).

اصل و حقیقت در این ماده را سنگینی در حرکت و فعالیت دانسته‌اند (مصطفوی، التحقیق، «مدخل ثخن»، ۱۳۶۰: ۱۲/۲). از این‌رو در معنای، کشتار و خون‌ریزی وارد نشده است و کاربردهای ثانویه آن چنین است.

بدین ترتیب معنای آیه این است که «پیش از درهم شکستن قطعی مقاومت دشمن نباید اقدام به گرفتن اسیران کرد، چرا که پرداختن به این امر گاهی سبب تزلزل موقعیت مسلمانان در جنگ خواهد شد، و پرداختن به امر اسیران و تخلیه آن‌ها در پشت جبهه آن‌ها را از وظیفه اصلی بازمی‌دارد» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۶۲: ۳۹۹/۲۱) این امر شبیه واقعه‌ای است که در أحد اتفاق افتاد و اشتغال به جمع‌آوری غنائم، آنان را از وظیفه اصلی بازداشت و موجبات شکست مسلمین را فراهم نمود. فَشُدُوا الْوَثَاقَ کنایه از اسیر گرفتن است در ادامه می‌فرماید یا منت نهید و رهایش کنید و یا فدیة گیرید و رهایش کنید.

عصمت خدا و رسول: این شبهات مردود است؛ چراکه اولاً فعل قبیح از خدا صادر نمی‌شود و بدون جرم عذاب نمی‌فرستد. ثانیاً پیامبر، به ویژه در ابلاغ شریعت، معصوم است و هرگز قبل از اذن خدا چیزی را از نزد خود حلال نمی‌کند و ثالثاً مسلمین بعد از نزول این آیات فدیة گرفتند نه پیش از آن تا مستوجب عتاب شوند و آنچه مسلمین در موقع نزول این آیات گرفته بودند اسیر بود، نه بهای اسیر (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۵۶: ۱۳۵/۹). برخی از احکام سنگین باید برای مخاطبان توجیه گردد تا محل شبهه و مقاومت در عمل واقع نگردد. مثلاً فخر رازی به وجه این حکم با استدلالی این‌گونه پرداخته که چگونه چنین نباشد درحالی که زمین برای شما مسجد است و مشرکان نجس هستند و مسجد باید از نجاست پاک شود (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳۸/۲۸) این بیان علت شدت عمل با مشرکان را تبیین می‌کند. البته این مورد خاص خود شبهاتی مربوط به کرامت ذاتی انسان‌ها در پی دارد که لازم است مفسر با جملاتی دیگر، آن را نیز تبیین کند.

جمع بندی: این بود گزارشی از تفاسیر اهل سنت درباره این آیه مشاهده شد که اکثراً مفسرین متقدم بدون توجه به شبهات بعدی روایات را نقل می‌کنند. هر چند معاصرین آن را جبران نموده و به شبهه کشتار و خشونت توجه داشته‌اند؛ از این رو نظر خود را با تأمل بیش‌تری بیان داشته‌اند. توجه به لوازم اقوال و روایات، مفسر را از ذکر مطالب ناصواب باز می‌دارد. با مطالعه دقیق آیات مشخص می‌گردد واژه‌ها و عبارات کریمه قرآن نه آن چنان سخت و غلیظ است که خشونت و قساوت را برساند و نه آن چنان لطیف و احساسی که حاکی از ضعف باشد، بلکه با بیانی معجزه آسا هم به جهاد ترغیب نموده هم عواطف انسانی را جلوه‌گر ساخته است. مفسرین نیز در تفسیر آیات لازم است به این تفاوت موقعیت‌ها توجه نمایند تا شبهه خشونت، تکفیر و اسلام‌هراسی ایجاد نشود.

۳. هم آوایی تفاسیر اهل سنت و مداخل دایره المعارف قرآن در تعامل با اسیران

الف) کشتن اسیر

۱. هم آوایی در لفظ و محتوا: در مورد اول (یعنی کشته شدن اسیر، برده گرفتن، یا آزادی در مقابل فدیة) هم آوایی در لفظ و محتوا دیده می شود. به دلیل استفاده از الفاظ یکسان در دو نقل قول که در مطالب پیشین بررسی شد.

۲. هم آوایی در هدف: بین منابع مستشرقان و تفاسیر اهل سنت، در شبیه مورد اول انتظار نمی رود؛ چرا که ممکن است هدف مستشرقان از نقل اینگونه مطالب امور مختلفی باشد مانند: نشان دادن واقعیت خشن احکام اسلامی، نشان دادن واقعیت سخت گیرانه و جدی احکام اسلامی. مفسران اهل سنت نقل این مطالب را با هدف نقل واقعیت احکام اسلام (هر چه باشد چه خشن و چه جدی) در نظر می آورند؛ چرا که مسلمین نمی توانند دین خود را خشونت طلب نشان دهند. آن چه که هست تنها موضع سخت گیرانه آن را نمایان می کنند. از این رو نمی توان هم آوایی در هدف را برای اظهار اینگونه مطالب در نظر آورد.

۳. هم آوایی در استناد به منابع و اشخاص: بنابر ادعای بروکوپ و بررسی های تفسیری، منبع اصلی نویسنده را منابع اهل سنت تشکیل داده است؛ بنابراین این نوع هم آوایی وجود دارد.

۳. هم آوایی در دلایل: استفاده از دلایل نقلی در هر دو گروه پررنگ تر از دلایل عقلی است. که هم آوایی در دلایل را موجه جلوه می دهد.

ب) انگیزه غنیمت خواهی

۱. هم آوایی در لفظ: اینکه مفسران اهل سنت انگیزه غنیمت خواهی را نقل کرده باشند در متون آن ها امر صریحی یافت نشد مگر آن که توجیهاات اقتصادی برای این قضایا شده باشد. از این رو هم آوایی در لفظ دیده نمی شود.

۲. هم آوایی در محتوا و هدف: اما در محتوا و هدف امکان هم آوایی منتفی نخواهد بود (ر. ک: قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۴۶/۸).

۱۲۶ ج) ادامه سنت جاهلی بودن غنیمت گیری

در مورد ادامه سنت جاهلی بودن غنیمت گیری در منابع تفسیری، نقل صریح این مطالب بدین لفظ و محتوا یافت نشد. به مطلبی که به این هدف منتهی شود نیز به صراحت نمی توان استناد کرد از این رو هم آوایی در لفظ و محتوا و هدف منتفی است. به نظر می رسد این مطالب با استناد به مطالب مستشرقان پیشین نگاشته شده باشد.

نتیجه

در مباحث فوق به جنبه‌های اجتماعی و حکومتی شخصیت پیامبر پرداخته شد و اهم شبهات این قسمت در تعامل با قبایل مشرک، اهل کتاب و اسیران مطرح شد. این شبهات در دو اثر قرآنی شرق و غرب یعنی منابع تفسیری اهل سنت و متناظر آن در دائره المعارف قرآن مورد جست و جو و کنکاش واقع گردید. مشخص گردید که:

پیامبر در تعامل با مشرکین و قبایل آن‌ها ابتدا با مدارا، صلح، پیمان و گفت‌وگو پیش می‌رفت تا امنیت در جامعه برقرار باشد و خون‌ها حفظ گردد. در این تعامل شبهه‌ای وجود ندارد چراکه امری عقلایی و مورد پسند است.

در مرحله بعد در صورت سرسختی آنان پیامبر موضعی را اتخاذ می‌کرد تا هم آنان به راه راست باز گردند و یا از سد راه اسلام و مسلمین دور گردند. این موضع جهاد نام داشت که در قالب رویارویی نظامی و برخوردهای قهر آمیز نمود پیدا می‌کرد. این تعامل نیز هر چند عقلایی است اما مورد پسند همگان نیست از این رو محل شبهه و سوال است. کثرت نسبی این رویارویی‌ها می‌رساند که تا چه اندازه پیامبر با سرسختی قبایل روبرو می‌بود و از طرفی ایشان می‌بایست در فرصت محدود عمر خویش پیام اسلام را گسترش می‌داد. عظمت رسالت از سویی و موانع بزرگ باعث می‌شد تصمیمات مهمی اتخاذ کند. کشتار و خونریزی از لوازم این رویارویی‌ها بود. اگر در پیش زمینه کژ رفتاری و ظلم آنان دیده شود، به یقین رفتار دافعانه پیامبر در مقابل آنان نه تنها ناپسند جلوه نخواهد کرد بلکه دلپذیر و شفافبخش قلوب خواهد بود.

خاستگاه برخی از شبهات مستشرقان همان‌گونه که مشاهده گردید نقل‌های تفسیری متناسب با مبانی کلامی و فقهی برخی فرق اهل سنت و نیز روایات ضعیف است. بنابراین یا مطالب نادرست منابع یا در مواردی متون ضعیف یا حتی مطالب صحیح موجود در منابع که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند، همگی در سیر ایجاد شبهه قرار می‌گیرد. برخی دیگر از شبهات نیز خواستگاهی در منابع مسلمین ندارند. از این رو با پالایش منابع، به رفع کامل شبهات نائل خواهیم شد.

برخی از شبهات (مانند ارقام کشتار یهود) هر چند فراوان نقل شده بود، اما از اشکالاتی هم‌چون تناقضات درونی برخوردار است. که نادرستی آن را برملا می‌نماید. از این رو کثرت نقل در همه موارد نمی‌تواند مؤید باشد

پی‌نوشت‌ها

[۱] «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (انفال / ۷۰)؛ «ای پیامبر، به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: اگر خدا در دل‌های شما خیری سراغ داشته باشد، بهتر از آن‌چه از شما گرفته شده به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است».

[2] Tasseron, entry “Jihad”. in EQ, edited by McAuliffe, vol. 3. p. 43.

[3] Brockopp, “Captives”, Ibid, Vol. 1, p289-290.

[۴] «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يَشْتَرِيَ فِي الْأَرْضِ ثُرَيْدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يَرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

[۵] زیرا قبل از نزول آیه مسلمین هنوز فدیة نگرفته بودند، تنها اسیراخذ کرده بودند.

[۶] روشن است که این نقل‌های ضعیف مخالف عصمت نبی اکرم است و پایه و اساسی ندارد؛ چراکه مقام عمر یا سعد معاذ از پیامبر بالاتر توصیف شده است.

[۷] «قهر تموهم بالسيف و ظهرتم عليهم (ظفرتم)»

[۸] «أى حتى إذا أضعفتموهم بالجراح».

[۹] هر چند آن را منوط به اذن امام دانسته اند اما شرایط امام و عصمت او در این زمینه قابل طرح است تا از کشتار آنان که قابل هدایتند جلوگیری شود.

منابع

١. ابن العربي، محمد بن عبدالله، أحكام القرآن، تحقيق على محمد البجاوي، بي جا: بي نا، بي تا.
٢. ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، زاد المسير في علم التفسير، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٢٢ق.
٣. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، دار الكتب العلمية، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت: منشورات محمد علي بيضون، ١٤١٩ق.
٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ: سوم، ١٤١٤ق.
٥. ابن هشام، السيرة النبوية، تصحيح مصطفى السقا، ابراهيم الاياري، عبد الحفيظ شلبي، بيروت: بي نا، بي تا.
٦. ابو حيان اندلسي محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير تحقيق صدقي محمد جميل، بيروت: دار الفكر، ١٤٢٠ق.
٧. ايباري، ابراهيم، الموسوعة القرآنية، بي جا: موسسه سجل العرب، ١٤٠٥ق.
٨. آلوسي، محمود بن عبد الله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق علي عبدالباري عطية، دارالكتب العلمية، بي تا.
٩. بصيريان، حميد، كلك خيال انگيز: آشنایی با ادبيات فارسی و آموزش نويسندگی، قم: مركز مديريت حوزه علميه خواهران، هاجر، ١٣٨٤ش.
١٠. بغدادی، علی بن محمد، لباب التاويل في معاني التنزيل، تصحيح محمد علي شاهين، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
١١. بغوي، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تحقيق عبدالرزاق المهدي، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
١٢. بيضاوي عبدالله بن عمر، انوار التنزيل و أسرار التأويل تحقيق محمد عبد الرحمن المرعشلي، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤١٨ق.
١٣. جصاص احمد بن علي، احكام القرآن، تحقيق محمد صادق قمحاوي، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
١٤. ذهبي، محمد حسين، تاريخ اسلام، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، بي تا.

۱۵. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت - دمشق: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۱۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. سمرقندی، نصرین محمد، بحر العلوم، بی جا: دارالفکر، بی تا.
۱۸. سور آبادی، عتیق بن محمد، تفسیر سور آبادی، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰ش.
۱۹. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۰. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن (تفسیر المیزان)، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۷ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث عربی، ۱۳۸۷ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۴. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۵. فراء، معانی القرآن، تحقیق احمد یوسف نجاتی، محمد علی نجار، عبدالفتاح اسماعیل شلبی مصر: دارالمصریة للتألیف و الترجمة، بی تا.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۸. قشیری عبدالکریم بن هوازن، لطایف الاشارات، تحقیق ابراهیم بسیونی، مصر: هیئة المصریة العامه للکتاب، بی تا.
۲۹. کدیور، محسن، مسئله برده داری در اسلام معاصر، تهران: کویر، ۱۳۸۷ش.
۳۰. مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۳۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه‌ای درباره قرآن مجید، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۳۴. نحاس، احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس) منشورات محمد علی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۳۵. نخجوانی نعمت الله، الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، مصر: دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹م.
۳۶. نووی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

37. McAuliffe, Jane Dammen, *Encyclopaedia of the Qur_ān* Leiden-Boston-Köln, Brill, 2001-2006.